

الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث

محمد محمدی ری شهری

چکیده

الگوی مصرف اگرچه عنوانی ناآشنا در میان احادیث اسلامی است، اما با از نظر گذراندن احادیثی که بر نفی اسراف، تبذیر، انفاق و... اشاره دارند می‌توان دیدگاه اسلام را در این باره از آنها استنباط کرد. در این نوشتار، ابتدا مبانی اصلاح الگوی مصرف بیان شده و پس از طرح باید‌ها و نباید‌های استفاده از امکانات شخصی و ملی و ارائه راهکارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی، به سیره پیشوایان دینی در مصرف اشاره شده و نمونه‌هایی از چگونگی رفتار ایشان ارائه گردیده است. کلید واژه‌ها: اصلاح الگوی مصرف، اسراف و تبذیر، سیره پیشوایان، بیت‌العمال.

درآمد

یکی از پایه‌های اصلی توسعه اقتصادی، «اصلاح الگوی مصرف» است.^۱ افزایش درآمد سرانه ملی، بدون این اقدام اساسی، نمی‌تواند نقش مؤثری در توسعه پایدار، ایفا نماید؛ زیرا اگر الگوی مصرف اصلاح نگردد، مصرف بی‌رویه، موجب تباهی منابع قابل سرمایه‌گذاری می‌شود و زمینه رشد اقتصادی و رفاه جامعه در بلندمدت از بین می‌رود. همچنین امکان مشارکت در هزینه‌های عمومی و بهبود توزیع درآمد فراهم نمی‌شود؛ از این رو، موضوع اصلاح الگوی مصرف در نظام اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نام‌گذاری سال جاری (۱۳۸۸) توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیدالله خامنه‌ای، به نام «سال اصلاح الگوی مصرف»، قطعاً اهمیت بررسی این موضوع را دوچندان نموده است.

همان‌طور که در سخنان ایشان اشاره شده، اصلاح الگوی مصرف، فقط یک مسأله اقتصادی نیست؛ بلکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز دارد.^۲ اصلاح الگوی مصرف، می‌تواند به خودسازی انسان و مهار

۱. پایه‌های توسعه اقتصادی عبارت است از: دانش، برنامه‌ریزی، کار، بازره، مصرف و دولت در اسلام، علاوه بر این اصول، برای توسعه پایدار اقتصادی، پایه‌های دیگری نیز مطرح شده‌اند مانند: اصول اعتقادی، اصول حقوقی، اصول اخلاقی، اصول عبادی و... (زکریا توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث)

۲. سخنرانی معظم له در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ در آستان قدس رضوی.

۱۷۱۷۴

تمایلات غریزی او، مانند: خودخواهی، حرص، طمع و تجمل‌گرایی کمک کند و با ریاضت اختیاری، موجب شکوفایی معنوی انسان گردد. از این رو، همه پیروان قرآن و علاقه‌مندان به پیشرفت و بالندگی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملت ایران، باید همه توان خود را به کار گیرند تا حرکت مبارکی که با نام‌گذاری سال جاری آغاز شده، هر چه بیشتر، تقویت شود.

می‌توانید نخستین گام برای تقویت این حرکت و پاسخگویی مثبت به این دعوت سرنوشت‌ساز، آشنایی دقیق با الگوی مصرف از نگاه قرآن و احادیث اسلامی است.

گفتنی است که در قرآن و احادیث اسلامی، چیزی تحت عنوان «الگوی مصرف» به طور مستقل، مطرح نشده است؛ اما با ملاحظه و جمع‌بندی آیات و روایاتی که درباره انفاق، نفقه، قصد اقتصاد، قناعت، تقدیر در معیشت، اسراف، تبذیر، اتراف و همانند آنها آمده، می‌توان از دیدگاه اسلام در باره الگوی مصرف، آگاهی یافت.

تأمل در این آیات و احادیث، نشان می‌دهد که رهنمودهای اسلام در باره الگوی مصرف، در واقع، همان راه‌کارهای عقل و منطق برای توسعه پایدار اقتصادی و ساماندهی زندگی سالم، همراه با رفاه و آسایش جامعه انسانی است.

بدین منظور، بررسی مسائلی زیر از نگاه قرآن و حدیث، ضروری است:

الف. مبانی اصلاح الگوی مصرف،

ب. الگوی تخصیص درآمد،

ج. باید‌های الگوی مصرف از امکانات شخصی،

د. نباید‌های الگوی مصرف از امکانات شخصی و ملی،

ه. راه‌کارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی،

و. سیره عملی پیشوایان دینی در مصرف.

الف. مبانی اصلاح الگوی مصرف

مبانی اصلاح الگوی مصرف را می‌توان در دو مبنا خلاصه کرد:

۱. مبانی عقلی

رفاه و توسعه اقتصادی پایدار جامعه، راهی جز اصلاح الگوی مصرف ندارد؛ زیرا اگر الگوی مصرف اصلاح نشود، مصرف بی‌رویه، موجب تباهی منابع سرمایه‌گذاری و مانع مشارکت همگان در هزینه‌های عمومی و بهبود توزیع درآمد می‌شود و بدون منابع سرمایه‌گذاری و مشارکت همگانی، توسعه پایدار، امکان‌پذیر نیست. از این رو، در روایتی از امام صادق علیه السلام میانه‌روی - که از لوازم اصلاح الگوی مصرف است - از سپاهیان عقل، و مصرف بی‌رویه و اسراف، از سپاهیان چهل شمرده شده است.^۳

همچنین در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۷، ح ۱۲.

الْمَقْتُلُ أَنْتَ تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ^۱

خردمندی، این است که میانروی کنی و اسراف نکنی.

بنا بر این، اگر هیچ دلیل شرعی برای اثبات ضرورت اصلاح الگوی مصرف نداشته باشیم، مقتضای عقل و تدبیر برای رسیدن به توسعه و رفاه پایدار، وجوب اصلاح الگوی مصرف و اجتناب از مصرف بی‌رویه است.

۲. مبانی دینی

از نظر اسلام، ضرورت اصلاح الگوی مصرف، لااقل سه مبنای محکم اعتقادی و اخلاقی دارد:

یک. اعتقاد به مالکیت خداوند متعال

باور داشتن به این اعتقاد که مالکیت انسان، اعتباری بوده و در طول مالکیت حقیقی آفریدگار هستی است. این باور، بدین معناست که انسان، اجازه ندارد اموال در اختیارش را هرگونه که می‌خواهد، مصرف کند، چنان‌که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

الْمَالُ مَالُ اللَّهِ ﷻ، جَعَلَهُ وَدَانِعَ حَنْدَ خَلْقِهِ، وَ أَمَرَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَشْرَبُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَلْبَسُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَنْكِحُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَتَزَوَّجُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَعْمَدُوا بِهَا يَسْوَى ذَلِكَ عَلَى قُرْبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، فَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ كَانَ مَا أَكَلَهُ حَرَامًا، وَمَا شَرِبَ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا لَبَسَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا نَكَحَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا زَوَّجَهُ مِنْهُ حَرَامًا^۲

اموال، از آن خداست و آنها را نزد آفریدگان خویش امانت نهاده است و فرمانشان داده که از آن، با میانروی بخورند و با میانروی بنوشند و با میانروی بیوشند و با میانروی ازدواج کنند و با میانروی، وسیله سواری بچرند و سوار شوند و بیش از آن را به مؤمنان نیازمند ببخشند هر که از این حد [اعتدال و میانروی] فراتر رود، آنچه از آن مال می‌خورد، حرام است و آنچه می‌نوشد، حرام و آنچه می‌پوشد، حرام و مالی که به وسیله آن ازدواج می‌کند، حرام و آنچه سوار می‌شود، حرام است.

این سخن، بدین معناست که اسراف، و مصرف بی‌رویه مال، با اعتقاد به مالکیت خداوند متعال، در تضاد است، و اصلاح الگوی مصرف، از لوازم توحید عملی است.

دو. اعتقاد به برادری دینی

از چشم‌انداز قرآن، همه اهل ایمان، برادر یکدیگرند. پیوند برادری اهل ایمان از نگاه روایات اسلامی، آن قدر قوی است که احاد جامعه، همانند اعضای پیکر یک انسان اند:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ اشْتَكَى كَيْتَابٌ مِنْهُ وَجَدَ أَمَّ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ، وَأَرْوَاحُهُمُ مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ، وَإِنْ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا^۳

۳. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۱۳.

۴. اعلام الدین، ص ۲۶۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶، ج ۲۴.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ج ۳.

مؤمن، برادر مؤمن است و همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضایش نیز از درد را در خود، احساس می‌کنند. روح آن دو مؤمن، از یک روح است. پیوند روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از پیوند پرتو خورشید به خورشید است.

این باور، ایجاب می‌نماید که در جامعه اسلامی، توسعه و رفاه باید به صورت متعادل در میان یکایک مردم، تقسیم گردد.

سه. تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت‌های مادی

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

دَوَاءُ النَّفْسِ الصُّومُ عَنِ الْهَوَىٰ، وَالْحِمِيَّةُ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا^۴

دوای نفس، باز ایستادن از هوس است، و منع نمودن از لذت‌های دنیا.

در مقابل، لذت‌گرایی و زیاده‌روی در مصرف قرار دارد که موجب انحطاط معنوی و مانع کمالات نفسانی است. بر این اساس، کنترل خواسته‌های مادی، به منظور تکامل معنوی، لازم و ضروری است.

ب. الگوی تخصیص درآمد

برای تبیین الگوی تخصیص درآمد، و توضیح مواردی که درآمد باید در آنها مصرف شود، باید به مواردی اشاره کرد که عبارت‌اند از:

۱. نیازهای شخصی

آیات و روایات فراوانی تأکید دارند که انسان باید از لذت‌های حلال مادی استفاده کند و در شماری از روایات، با این تعبیر که «خداوند متعال، دوست دارد که بهره‌گیری از نعمتی را که به بنده‌اش داده، ببیند»، مردم را به استفاده از این لذت‌ها به اندازه نیاز، تشویق می‌نمایند، و نیز کسانی را که خود را از لذت‌های مشروع زندگی، محروم کرده‌اند، به شدت نکوهش می‌نمایند. البته تخصیص درآمد به نیازهای شخصی، باید با نیازهای خانوادگی نیز سازگار باشد.

۲. گشاده‌دستی برای خانواده

دومین مورد تخصیص درآمد - که در روایات اسلامی به آن، توصیه شده -، گشاده‌دستی در تأمین نیازهای خانواده است. این موضوع، آن قدر اهمیت دارد که در روایتی از امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ^۵

خوشنودترین شما نزد خداوند، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار بدهد.

۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۵۲؛ حین الحکم والمواظف، ص ۵۲، ج ۲۶۸۶.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۱، ج ۳.

در روایتی دیگر نیز، امام رضا علیه السلام می فرماید:

صَاحِبُ التَّمَوُّ بِحَبِيبٍ عَلَيْهِ التَّوْبَةُ عَلَى عِيَالِهِ؛

بر آن که از نعمت برخوردار است، واجب است که بر خانواده اش گشاده دستی کند.

۴. پس انداز

آینده نگری، ایجاب می کند که انسان، همه درآمد خود را یک جا مصرف نکند؛ بلکه آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، در صورت امکان، بخشی از درآمدش را پس انداز کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که می فرماید:

إِنَّ النَّاسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قَوَاتِمَهَا اسْتَفْرَتُوا؛

آدمی، هر گاه وسایل زندگی اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می یابد.

همچنین، در موردی دیگر، آن حضرت، در پاسخ گروهی از صوفیان - که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند -، به پس انداز سلمان رضی الله عنه، برای زندگی سالیانه خود، به عنوان یک زاهد نمونه ای که الگوی مصروف اسلامی را رعایت می کرد، اشاره می فرماید:

بدیهی است که آینده نگری و پس انداز در سطح کلان برای تأمین نیازهای جامعه، از اهمیت دوچندانی برخوردار است و با آینده نگری فردی، قابل مقایسه نیست. نمونه قرآنی آن نیز، آینده نگری حضرت یوسف علیه السلام در ذخیره گندم برای تأمین نیازهای آینده مردم است.

۴. سرمایه گذاری در تولید و تجارت

نکته بسیار مهم و قابل توجه، این است که، توصیه روایات در تخصیص بخشی از درآمد به پس انداز، این نیست که پول، به صورت نقدی پس انداز شود، بلکه با تأکید به اصلاح و ساماندهی مال و بهره روری از آن، مردم، به سرمایه گذاری در زمینه های مختلف تولیدی و تجاری، تشویق شده اند تا آن جا که ساماندهی ثروت، بخشی از ایمان شمرده شده است:

إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيمَانِ؛^۹

نگاهداری نیکو از مال، نشانه ایمان است.

۵. مشارکت اجتماعی

یکی از موارد تخصیص درآمد - که قرآن و احادیث اسلامی، بر آن تأکید دارند - هزینه کردن در راه خداوند متعال است.

۹. همان، ج ۴، ص ۱۱، ح ۵.

۱۰. همان، ج ۵، ص ۸۹، ح ۱۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۲۶۱۹.

۱۱. التکالیف، ج ۵، ص ۶۸، ح ۱.

۱۲. همان، ج ۵، ص ۸۷، ح ۱۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۲۶۱۲.

اقدام این افراد از نظر اسلام، آن قدر اهمیت دارد که در قرآن، در ردیف ایمان آورندگان به غیب و نمازگزاران، شمرده شده است:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾؛^{۱۱}

[بزهیزگاران اینان اند] کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می کنند و از آنچه روزی شان کرده ایم، انفاق می کنند.

در روایات اسلامی، بسیار تأکید شده که این بخش از هزینه ها، در واقع، موجب باقی ماندن مال و ذخیره سازی آن برای جهان پس از مرگ انسان است.

در روایتی آمده که گوسفندی را در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله ذبح کردند و گوشت آن را به دیگران دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله از عایشه پرسید: «چیزی از آن مانده است؟».

وی پاسخ داد: چیزی جز کتفه (سردست) آن، باقی نمانده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا؛^{۱۲}

بجز سردستش، همه آن، باقی مانده است!

این روایت، به این نکته اشاره دارد که آنچه برای خداوند، به دیگران داده شده، برای جهان پس از مرگ باقی می ماند و آنچه در راه مصارف شخصی هزینه شده، فانی می گردد.

خداوند متعال، وعده داده است که پاداش آنچه را انسان برای خداوند هزینه کرده، به مراتب، بیش از آنچه هزینه کرده، در زندگی ابدی به او باز می گرداند:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَبْتَتْ سَنَعًا سَنَعًا لِي فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛^{۱۳}

مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای، صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می کند و خداوند، گشایشگر داناست.

اما از آن جا که خداوند متعال، بی نیاز مطلق است، هزینه کردن در راه خدا، در واقع، به منتهای هزینه کردن برای منافع دیگران و مشارکت در خدمات اجتماعی برای جلب رضای حق تعالی است.

بنا بر این، مقتضای این روایات و دیگر روایات مشابه، این است که شخص مسلمان، در صورت امکان، باید درآمد خود را به سه بخش تقسیم کند: بخشی را صرف نیازهای شخصی و رفاه خانواده خود کند؛ بخشی را به پس انداز اختصاص دهد؛ آن هم پس اندازها در جهت سرمایه گذاری تولیدی و تجاری؛ و بخشی را صرف کمک به نیازمندان و خدمات اجتماعی نماید.

۱۲. سوره بقره، آیه ۲.

۱۳. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۴۲، ح ۲۲۷۰؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۱۶۱۵۰.

۱۵. سوره بقره، آیه ۲۶۱.

البته همه این موارد، ضوابط و باید‌ها و نبایدهایی دارند که به آنها اشاره خواهد شد.

ج. پاینده‌های الگوی مصرف، از امکانات شخصی-

اصلی‌ترین اقداماتی که انجام دادن آنها، به منظور اصلاح الگوی مصرف، البته از درآمدها و امکانات شخصی، لازم و ضروری است، عبارت‌اند از:

۱. برنامه‌ریزی

نخستین رهنمود اسلام برای اصلاح الگوی مصرف، برنامه‌ریزی برای هزینه کردن و ایجاد تعادل میان دخل و خرج زندگی است. قرآن در این باره می‌فرماید:

(لِيُقِيْتِ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُيْتِ بِمَا آتَاهُ اللَّهُ) ۱۶

بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی‌اش بر او تنگ شده باشد، از آنچه خداوند به او داده است، خرج کند.

این سخن، بدین معناست که هر کس باید به فراخور درآمد خود، برای هزینه‌های زندگی خویش برنامه‌ریزی کند؛ زیرا درآمد همه مردم، یکسان نیست، از این رو، هر کس برای رسیدن به توازن و تعادل میان دخل و خرج زندگی، باید برنامه خاصی داشته باشد. رعایت این توازن، حتی در شرایط مختلف اقتصادی زندگی یک فرد نیز ضروری است.

این اقدام، یکی از مصادیق بارز تدبیر در امور معیشتی است که بیش از ثروت، در رفاه و آسایش انسان مؤثر است، و در کنار دین‌شناسی و مقاومت در سختی‌ها، به دست آوردن آن، برای اهل ایمان، ضروری است، و گاهی فقدان این ویژگی، موجب می‌گردد که برخی از بینوایان، از ثروتمندان، اسراف‌کارتر شمرده شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

رُبُّ فَقِيرٍ اسْرَفٌ مِنْ عَنِّي. قُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ اسْرَفَ مِنَ الْعَنِيِّ؟ فَقَالَ: إِنَّ الْعَنِيَّ يُنْفِقُ بِمَا أُوتِيَ، وَ الْفَقِيرُ يُنْفِقُ مِنْ خَيْرِ مَا أُوتِيَ. ۱۷

... [امام علیه السلام فرمود: «بسیا فقیری که از توانگر، اسراف‌کارتر باشد». گفتم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: «توانگر، از آنچه به وی عطا شده، خرج می‌کند؛ ولی فقیر، بدون آن که به وی اتفاق شده، خرج می‌کند».

۲. میانه‌روی

دومین رهنمود برای اصلاح الگوی مصرف، میانه‌روی (اعتدال) در مصرف است. ممکن است درآمد شخصی، به گونه‌ای باشد که هر قدر که مایل است، بتواند هزینه کند؛ اما اسلام، اجازه نمی‌دهد که بیش از نیاز، مصرف نماید. البته باید توجه داشت که نیاز، مراتبی دارد. دانشمندان، نیازهای انسان را به سه مرتبه تقسیم کرده‌اند.

۱۶. سوره طلاق، آیه ۷.
۱۷. الکافی، ج ۲، ص ۵۲ ح ۱۱.

مرتبه نخست، نیاز، نیاز انسان به امکانات اولیه ضروری است؛ یعنی چیزهایی که ادامه زندگی، بدون آنها، امکان‌پذیر نیست و یا با مشکل جدی، رو به روست.

مرتبه دوم نیاز، نیاز انسان به امکاناتی است که برای اداره یک زندگی متوسط، اعم از نیازهای اقتصادی، علمی و فرهنگی، کافی است.

مرتبه سوم نیاز، نیاز انسان به امکاناتی است که افزون بر برخورداری از یک زندگی متوسط، رفاه و آسایش او را نیز در حد معقول و منطقی تأمین نماید.

گفتنی است که هر چند آنچه در روایات اسلامی، مورد تأکید قرار دارد، تأمین نیازهای زندگی در حد کفاف و برخورداری از یک زندگی متوسط است، اما برخورداری از رفاه نسبی نیز با میانه‌روی در مصرف، منافاتی ندارد. از این رو، در روایتی از اسحاق بن عمار نقل شده است که:

قُلْتُ لِابِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِ عَشْرَةٌ أَقْبَصَةٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: عَشْرُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: ثَلَاثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، كَيْسَ هَذَا مِنْ السَّرْفِ إِنْهَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَدْلَتِكَ. ۱۸

به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا مؤمن می‌تواند ده پیراهن داشته باشد؟ امام علیه السلام فرمود: «آری». گفتم: بیست پیراهن چه؟ فرمود: «آری [اشکالی ندارد]». گفتم: سی تا چه؟ فرمود: «آری. این، اسراف نیست؛ اسراف، آن است که لباس بیرونی‌ات (میهمانی‌ات) را لباس کار و دم دستی قرار دهی».

بنا بر این، آنچه در اسلام، اسراف و غیر مجاز شمرده شده، مصرف بیش از حد رفاه نسبی است.

۳. رعایت اولویت‌ها

یکی از نکات بسیار مهم در اصلاح الگوی مصرف، در نظر گرفتن اولویت‌هاست. بی‌توجهی به این امر، در واقع، هدر دادن سرمایه، و گونه‌ای اسراف‌کاری است و مشکلات گوناگونی را در پی خواهد داشت. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

مَنْ اسْتَعْتَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ سَبَّحَ الْأَهَمَّ. ۱۹

هر کس به چیزی که مهم نیست بپردازد، آنچه را که اهمیت بیشتری دارد، از دست می‌دهد.

بنا بر این، در تأمین نیازهایی که از درآمدهای شخصی صورت می‌گیرد، توجه به دو نکته، ضروری است:

یک. در نظر گرفتن اولویت، در شخص مصرف‌کننده

چنان‌که در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فَقِيرًا فَلْيَبْدَأْ بِتَقْوِيهِ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَتَقَى عِيَالِهِ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَتَقَى قَرَابَتِهِ أَوْ حَلَى ذِي رَحِيهِ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَهَاتَمْنَا وَ هَاتَمْنَا. ۲۰

۱۸. همان، ج ۶، ص ۴۲۱، ح ۴؛ منار الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۶۴۹.
۱۹. میزان الحکمة، ج ۸، ص ۱۲۹، ح ۱۳۳۲۸.

هر یک از شما که فقیر است، نخست به خود بپردازد. اگر مالی افزون آمد، به خانواده‌اش بدهد، اگر پیشینه‌ای ماند، به خویشاوندان یا بستگانش بپردازد، و اگر باز هم ماند، این سو و آن سو هزینه کند.

همان طور که در این روایت آمده، انسان، به طور طبیعی باید در درجه اول، نیازهای خود را تأمین کند، سپس نزدیکان و پس از آن، دیگران. اما گاه، ضرورت ایجاب می‌کند که نیاز دیگران را مقدم دارد که این معنا از نظر اخلاقی، در اسلام پسندیده است و ایثار نامیده می‌شود.

دو. در نظر گرفتن اولویت، در نیاز مصرف‌کننده

تأمین نیازهای ضروری‌تر بر نیازهایی که تأمین آنها ضرورت کمتری دارد، باید مقدم گردد. معیار اصلی در تشخیص میانه‌روی در مصرف، بلکه مهم‌ترین اصل در اصلاح الگوی مصرف، بجا مصرف کردن، و نابجا مصرف کردن است. این معیار در روایتی از پیامبر ﷺ بدین گونه بیان شده است:

مَنْ أَعْطَى فِي غَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ اسْرَفَ، وَمَنْ مَتَّعَ عَنْ حَقٍّ فَقَدْ قَتَرَ!^{۲۰}

هر که به ناحق (بی‌جا)، بخشش کند اسراف کرده است و هر که به حق (بجا)، خرج نکند سخت‌گیری و خست ورزیده است.

بر پایه این معیار عقلی و شرعی، همه باید‌ها و نباید‌های اصلاح الگوی مصرف را می‌توان مشخص کرد و تردیدی نیست که تأمین همه مراتب نیاز انسان‌ها از درآمد مشروع خود، از مصادیق روشن مصرف بجا محسوب می‌گردد.

۴. همدردی در تنگناهای اقتصادی

یکی دیگر از دستورالعمل‌های مهم اخلاقی در اسلام، همدردی با توده مردم در تنگناهای اقتصادی است. شخصی به نام مُعْتَب،^{۲۱} روایت کرده که در زمان امام صادق ﷺ در شرایطی که بهای مواد غذایی، رو به افزایش بود، امام از من پرسید: «چقدر گندم داریم؟»

گفتم: مقداری که ماه‌ها برای ما کافی است.

فرمود: «همه را به بازار ببر و بفروش». گفتم: در مدینه گندم نیست؟!

فرمود: «ببر و آنها را بفروش».

پس از فروش آنها، امام ﷺ فرمود: اکنون مانند همه مردم، برو و گندم مورد نیاز ما را از بازار تهیه کن! و افزود:

يَا مُعْتَبُ! اجْعَلْ قُوَّةَ عِيَالِي نَصْفًا شَمِيراً وَ نَصْفًا حَنْطَةً؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَمْدُحُ اتِي وَاجِدًا أَنْ أَطْعِمَهُمْ
الْحِنْطَةَ عَلَى رُجْهِيهَا، وَ لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ كَدَّ أَحْسَنَتْ تَقْدِيرَ الْمَعِيَّةِ!^{۲۲}

۲۰. سنن النسائي، ج ۷، ص ۳۰۲؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۶۹۲، ج ۴۱.

۲۱. تفسير مجمع البيان، ج ۷، ص ۲۸۰ (عن معاذ بن انوار، ج ۶، ص ۲۶).

۲۲. وی، حذمتکار امام صادق ﷺ است.

ای معتب، غذای خانواده مرا، نیمی جو و نیمی گندم قرار ده؛ خدا می‌داند که من، توانایی این را دارم که همه خوراک آنان را گندم قرار دهم؛ ولی من دوست دارم که خانواده مرا این گونه ببیند که زندگی را خوب تدبیر می‌کنم.

این سخن، بدین معناست که همدردی با مردم در تنگناهای اقتصادی، بالاترین مراتب «تدبیر زندگی» و زیباترین «الگوی مصرف» در اسلام است که باید مورد توجه ثروتمندان، بویژه رهبران دینی و سیاسی باشد.

۵. رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی

یکی از نکات مهم در الگوی مصرف در مشارکت‌های اجتماعی، این است که باید به گونه‌ای عمل شود که دارای بیشترین بازدهی اجتماعی باشد. از این رو، هزینه کردن در مواردی که زیانش برای انسان، بیش از سودش برای دیگران است، نکوهیده شمرده شده است. چنان که در روایتی از امام کاظم ﷺ آمده است:

لَا تَبْدُلْ لِأَخْوَابِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا سَرَّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ تَنْفَعِيهِ هُمْ!^{۲۳}

برای برادران [ایمانی] خود، چندان از خودت مایه مگذار که زیان آن برای تو، بیشتر از سودش برای آنهاست.

یعنی وقتی کسی، بدهکاری زیادی دارد، شما نباید همه ثروستان را برای پرداخت بدهی چنین شخصی بدهید؛ چون در این صورت، بدون آن که بدهی او پرداخته شده باشد، همه ثروت خود را از دست داده‌اید.^{۲۴}

۶. سادگی زیستی

اصلاح الگوی مصرف، بدون قناعت و سادگی زیستی، و دوری از تجمل‌گرایی، امکان‌پذیر نیست. از این رو، در روایات اهل بیت ﷺ کاستن از هزینه‌های زندگی و سادگی زیستی، بسیار توصیه شده است. بر پایه روایتی از امام صادق ﷺ، ویژگی‌های شخص باایمان، این گونه است:

الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعْرُوفَةِ، خَفِيفُ الْمَوْزُونَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيَّتِهِ!^{۲۵}

مؤمن، باریگری شایسته است؛ کم خرج است و گذران زندگی‌اش را خوب تدبیر می‌کند.

بر این اساس، برنامه‌ریزی برای ارتقای فرهنگ سادگی زیستی، یکی از مصادیق بهترین برنامه‌ریزی‌ها برای تدبیر زندگی و اصلاح الگوی مصرف است.

در این باره، سفارش امام صادق ﷺ این گونه است که انسان در زندگی مادی، باید به تهی‌دست‌تر از خود نگاه کند:

۲۳. الکافی، ج ۵، ص ۱۶۶، ج ۲۴؛ تهذيب الاحكام، ج ۷، ص ۱۶۱، ج ۱۵.

۲۴. همان، ج ۴، ص ۳۲، ج ۲.

۲۵. رک: همان، ج ۴، ص ۳۲، ج ۱.

۲۶. همان، ج ۲، ص ۳۲۱، ج ۳۸.

أَنْظُرُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَعْتَدَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ قَوْلُكَ فِي الْمَعْتَدَةِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْضَلُ لَكَ بِمَا قَسَمْتُ لَكَ^{۲۷}؛
به ناتوان تر از خودت بنگر و به توانگر از خویش منکر؛ زیرا این کار، تو را به آنچه قسمت تو شده، قانع تر می‌سازد.

رعایت این رهنمود، نقش مهمی در پیشگیری از چشم و همچشمی و افراط در تجمل‌گرایی دارد.

۷. در نظر گرفتن فرهنگ جامعه

یکی از نکاتی که در باره موضوع ساده‌زیستی و دوری از تفریط در مصرف، توجه به آن ضروری است، در نظر گرفتن فرهنگ عمومی مردم، در زمان‌های مختلف است. به سخن دیگر، ساده‌زیستی، به معنای استفاده از پوشاک یا غذای نامرغوب و یا مسکن نامطلوب و در یک جمله، زندگی نامتعارف نیست. در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که می‌فرماید:

إِنَّ أَهْلَ الضَّمْفِ مِنْ سَوَائِلِ يُحْسِنُونَ أَنْ اجْلِسَ عَلَى البُرودِ والبَسَ الحَشِيرَةَ، وَلَيْسَ يَحْتَمِلُ الزَّمَانُ ذَلِكَ^{۲۸}؛

دوستان سست‌عقیده‌ام، دوست دارند که من بر یلاس بنشینم و جامه زُخمت بپوشم؛ اما این روزگار، گنجایش چنین کاری ندارد.

همچنین، هنگامی که سفیان ثوری، ملاحظه کرد امام صادق علیه السلام لباس زیبایی بر تن دارد و به ایشان ایراد گرفت که پدران از این گونه لباس‌ها استفاده نمی‌کرده‌اند، امام فرمود:

إِنَّ آيَاتِي بَيْنَهُمْ كَانُوا فِي زَمَانٍ مُفْتِرٍ مُقْتَرٍ، وَهَذَا زَمَانٌ قَدْ أَرَحَّتِ الدُّنْيَا عَزَائِبَهَا، فَاحْتَقِ أَهْلِيهَا بِمَا أُبْرَأُكُمْ^{۲۹}؛

همانا پدران من در روزگار فقر و تنگدستی زندگی می‌کردند، حال آن که امروز، زمانه گشایش و فراخی است؛ پس شایسته‌ترین کسان برای بهره‌مندی از این گشایش، نیکان این زمانه‌اند.

بنا بر این، همسویی با فرهنگ مشروع حاکم بر جامعه، نه تنها نکوهیده نیست، بلکه مطلوب و پسندیده است؛ همان گونه که در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است:

خَيْرُ لِيَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِيَاسُ أَهْلِهِ^{۳۰}؛

بهترین جامه برای هر روزگار، جامه مردم همان زمان است.

د. نیایدهای اصلاح الگوی مصرف، از امکانات شخصی و عمومی

بر پایه آن چه در باره ضرورت‌های اصلاح الگوی مصرف تبیین شده، معیارهای الگوی صحیح در مصرف، عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی، میانه‌روی، رعایت اولویت‌ها، همدردی با توده‌های مردم در تنگنای اقتصادی،

۲۷. همان، ج ۸، ص ۲۲۴، ج ۳۲۸، علی الشرائع، ص ۱۵۵، تحف العقول، ص ۳۶۰.

۲۸. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۰، ج ۲۲۸.

۲۹. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۵۲، ج ۶۲.

۳۰. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۱، ج ۳، ص ۶۰، ج ۳۲۲، ص ۱۵.

ساده‌زیستی، اجتناب از تفریط، در نظر گرفتن فرهنگ حاکم بر جامعه و هزینه کردن بخشی از درآمد برای مصالح جامعه.

بنا بر این، مصرف، هر چه به این معیارها نزدیک‌تر باشد، پسندیده‌تر است و هر چه دورتر باشد، نکوهیده‌تر و ناروا تر. اینک انواع مصرف‌های ناروا و ویژگی‌های آنها را بیان می‌کنیم:

۱. اسراف و تبذیر

اسراف در لغت، به معنای تجاوز از مرز اعتدال در هر کار است.^{۳۱} در قرآن^{۳۲} و حدیث نیز این واژه در معنای لغوی آن به کار رفته است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْاِقْتِصَادِ، اِسْرَافٌ^{۳۳}؛

هر آنچه از میانه‌روی بگذرد، زیاده‌روی است.

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

إِعْلَمَ أَنْ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدًّا، فَإِنْ جَاوَزَهُ كَانَ سَرَفًا^{۳۴}؛

بدان که هر چیزی، اندازه‌ای دارد که اگر از آن بگذرد، زیاده‌روی است.

امام کاظم علیه السلام در روایتی، در تبیین سپاهیان عقل و جهل، این دو گزینه را نیز آورده است:

الْقَصْدُ، الْاِسْرَافُ^{۳۵}؛

میانه‌روی [و در برابر آن] زیاده‌روی.

این سخن، اشاره به آن است که اصلاح الگوی مصرف و میانه‌روی در آن، مسأله‌ای عقلی است و آنچه را که اسلام در این باره آورده، چیزی جز ارشاد به حکم عقل نیست.

گفتنی است که در باره مفهوم اسراف، چند نکته، قابل توجه است:

یک. گستره اسراف

با عنایت به آنچه در تبیین مفهوم اسراف اشاره شد، مصادیق این واژه در زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار گسترده است؛ چنان که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

۳۱. الإسراف: مجاوزة القصد (إسراف العرب)، ذیل واژه «سرف»؛ السرف: تجاوز الحد فی کلِّ فعل یعمله الإنسان. (مفردات، ذیل واژه «سرف»).

۳۲. از نگاه قرآن کریم، هرکاری که خارج از مرز اعتدال انجام شود اسراف است و احرام دهده آن، سرف نامیده می‌شود. از این رو، قرآن، همان طور که شخص پرحور را مسرف می‌نامد (سوره اعراف، آیه ۳۱)، گناهکار را نیز مسرف می‌خواند (سوره رعد، آیه ۵۳). همچنین شخص مستبد و مستکبر را هم مسرف می‌داند (سوره یونس، آیه ۸۳) زیرا لوگس، در مورد جسم، دومی، در مورد جان، و سومی، درباره جامعه، از مرز اعتدال خارج شده‌اند.

۳۳. مخرج الحکم، ج ۶۸۹۹.

۳۴. نزهة الناظر، ص ۱۷۸، ج ۵۴.

۳۵. تحف العقول، ص ۲۰۲.

فِي الْوُسْوَءِ إِسْرَافٌ وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِسْرَافٌ^{۳۶}

در وضو [و شستشو] اسراف هست، و در هر چیز [دیگر هم] اسراف وجود دارد

مفهوم اسراف، در هر کاری می‌تواند تحقق پیدا کند و هر کاری که از مرز اعتدال خارج شود، اسراف شمرده می‌شود؛ حتی در وضو گرفتن. اگر کسی، بیش از حد نیاز، آب مصرف کند، اسراف کار است. در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ، وَإِنَّ السَّرْفَ يُبْغِضُهُ؛ حَتَّى طَرَحَكَ التَّوَابُ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلنَّبِيِّ، وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضَلَّ سَرَابِكُ^{۳۷}

میانروی، کاری است که خداوند تعالی آن را دوست دارد و اسراف را ناخوش دارد، حتی دور انداختن هسته [میوه] را؛ زیرا آن [نیز] به کاری می‌آید، و حتی دور ریختن زیادی نوشیدنی‌ات را.

بنا بر این، اسراف، تنها در خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه حتی دور ریختن هسته خرما یا هسته دیگر میوه‌هایی که برای کاشت، قابل استفاده‌اند اسراف محسوب شود؛ ولی در عصر ما، گستره اسراف، بسیار گسترده‌تر از گذشته است؛ اسراف در بهره‌گیری از هوا و محیط زیست، اسراف در استفاده از بنزین، نفت، گاز و دیگر منابع حیاتی نیز مصداق دارد.

دو. اسراف کمی و اسراف کیفی

گاه اسراف، در کمیت مصرف است؛ یعنی بیش از مقدار مورد نیاز، مصرف کردن. گاه نیز در کیفیت مصرف تحقق پیدا می‌کند؛ بدین معنا که مصرف از نظر کمی، بیش از حد نیاز نیست، ولی از نظر کیفی، بیش از حد نیاز است؛ مانند پوشیدن لباس میهمانی - که برای حفظ آبروست - در منزل. روایت است که شخصی به نام سلیمان بن صالح، از امام صادق علیه السلام پرسید: کمترین درجه اسراف چیست؟

امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

إِذَا لَمْ تَرَبِّ صَوْنِكَ، وَ إِهْرَأْتُكَ فَضَلَ إِتَانَتِكَ^{۳۸}

کمترین اندازه آن، این است که لباس میهمانی‌ات را لباس خانه قرار دهی و ته‌مانده ظرف‌ت را دور بریزی.

بر پایه روایتی دیگر، حتی انسان می‌تواند سی پیراهن داشته باشد و از هر یک، به منظوری استفاده کند و اسراف شمرده نشود؛ ولی اگر لباسی را که برای حفظ آبرو باید در بیرون از خانه بپوشد، در خانه، مورد استفاده قرار دهد، اسراف کار خوانده می‌شود.^{۳۹}

۳۶. کنز العمال، ج ۹، ص ۲۷۲، ج ۲۷۰۲۷.

۳۷. الکافی، ج ۴، ص ۵۲، ج ۱۲، ثواب الأعمال، ص ۲۲۱، ج ۱.

۳۸. الکافی، ج ۴، ص ۵۶، ج ۱۰، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۷، ج ۲۶۲۶.

بنا بر این، استفاده نابجا از وسائل شخصی نیز از مصادیق اسراف است. استفاده نابهینه از لباس بیرونی، اسراف کیفی قلمداد می‌شود و دور ریختن باقیمانده آب مصرفی، اسراف کمی. همچنین در روایت دیگری به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلُّ مَا اشْتَهَيْتَ^{۴۰}

یکی از نمونه‌های اسراف، این است که هر چه دلت بخواهد بخوری.

این سخن، اشاره دارد به این که ممکن است کسی بیش از اندازه لازم، غذا نخورد، ولی در انتخاب نوع غذا، اسراف کار باشد؛ یعنی به جای انتخاب غذای مفیدتر، غذای لذیذتر را انتخاب کند. به سخن دیگر؛ آنچه باید بخورد، نمی‌خورد؛ بلکه آنچه می‌خواهد، می‌خورد.

سه. نسبی بودن مفهوم اسراف

نکته قابل توجه دیگر در تبیین مفهوم اسراف، نسبی بودن آن است؛ بدین معنا که ممکن است بهره‌گیری مقداری، و یا نوعی از یک کالا، برای یک نفر، اسراف و تجاوز از حد اعتدال محسوب شود، ولی برای دیگری، اسراف نباشد؛ چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

أَتَى اللَّهَ التَّمَنُّ رَجُلًا عَلَى مَالٍ حَوَّلَ لَهُ أَنْ يَشْرِيَ قَرَسًا بِعَشْرَةِ أَلَابِ دِرْهَمٍ وَيَحْزِيهِ قَرَسٌ بِعِشْرِينَ دِرْهَمًا^{۴۱}

ایا گمان می‌کنی خداوند انسان را در مالی که به وی عطا فرموده، امین شمرده که اسبی به بهای ده هزار درهم بخرد؟ حال آن‌که اسبی به قیمت بیست درهم برای او کفایت می‌کند.

بر پایه این روایت، در زمان ما، مثلاً دو نفر که هر دو می‌توانند خودرویی به قیمت یکصد میلیون تومان تهیه کنند، یکی از آنها نیازمند به اتومبیلی با این قیمت است، ولی دیگری، اتومبیلی با قیمت بیست میلیون تومان هم برای تأمین نیازهایش کافی است، اگر هر دو، اتومبیل یکصد میلیون تومانی تهیه کردند، شخص دوم، اسرافکار است و اولی، اسراف کار نیست؛ چون فرد دوم، از مرز اعتدال تجاوز کرده و دیگری تجاوز نکرده است.

چهار. اسراف در کارهای خیر

برخی از روایات، دلالت دارند که در کارهای نیک، اسراف، نگوئیده نیست؛ مانند آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که می‌فرماید:

لَا خَيْرَ فِي السَّرْفِ، وَلَا سَرَفٍ فِي الْخَيْرِ^{۴۲}

۳۹. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۱، ج ۴، نکاح الاموال، ج ۱، ص ۲۲۱، ج ۶۴۹.

۴۰. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۲، ج ۲۳۵۲، کنز العمال، ج ۴، ص ۴۴۲، ج ۲۳۶۶.

۴۱. تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۲، ج ۲۳.

۴۲. حوالی اللذکر، ج ۱، ص ۲۹۱، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۵، ج ۲، گفتنی است که در بسیاری از منابع، این سخن، به عنوان روایت نقل شده است.

در اسراف، خیری نیست و در [کارهای] خیر، اسراف نیست.
در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است:

الإسرافُ مَلْعُومٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي أَعْمَالِ الْبِرِّ^{۳۲}

اسراف، در هر چیزی ناپسند است؛ مگر در کارهای خیر.

اما بی تردید، مقصود از این روایات، این نیست که انسان حق دارد همه اموال خود را به بهانه نیکی کردن به دیگران ببخشد، و خود و خانواده خویش را به فقر و فلاکت بیندازد. قرآن کریم، انفاق انسان‌های شایسته را چنین توصیف می‌کند:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^{۳۳}

و کسانی که هر گاه انفاق می‌کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه میان این دو، حد اعتدال را رعایت می‌کنند.

نیز در موردی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همه اموالی را که نزد او بود، انفاق کرد، به گونه‌ای که دیگر نزد او چیزی نماند تا بتواند پاسخگوی نیاز دیگران باشد، خداوند متعال، ایشان را از این کار نهی فرمود.

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبُشْطِ تَتَقَدَّمَ مَتْلُومًا خَسِرًا﴾^{۳۴}

و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی.

بنا بر این، مقصود از روایاتی که تأکید دارند بر این که در کارهای نیک، اسراف نیست، دفع توهم نکوهیده بودن گشاده‌دستی در کارهای خیر است و تأکید بر این نکته که نه تنها در کارهای خیر، گشاده‌دستی نکوهیده نیست، بلکه نیکو و پسندیده است. این معنا در روایتی که وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام را گزارش کرده نیز به روشنی دیده می‌شود:

أَنَا الصَّدَقَةُ فَجُهِدَكَ حَتَّى تَقُولَ: قَدْ أَسْرَفْتُ وَ لَمْ تُسْرِفْ^{۳۵}

صدقه، آن است که تا توان داری، ببخشی، چندان که بگویی: اسراف کردم؛ ولی اسراف نکرده باشی.

این، بدان معناست که مؤمن باید در انفاق در راه خدا، آن قدر گشاده‌دست باشد که خیال کند اسراف کرده است؛ ولی در واقع، کار او اسراف نیست، بلکه گشاده‌دستی است. با این توضیح، مقصود از روایاتی که دلالت دارند اسراف، در شماری از مصارف، قابل تحقق نیست نیز روشن می‌گردد؛ مانند آنچه از امام صادق علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

۳۲. حرر الحکم، ج ۱۹۲۸.

۳۳. سوره فرقان، آیه ۶۷.

۳۴. سوره اسراء، آیه ۲۹.

۳۵. رک، الکافی، ج ۸، ص ۷۹، ح ۳۳.

لَيْسَ فِي الطَّعَامِ سَرْفٌ^{۳۶}

در خوراک، اسراف نیست.

یا از امام علی علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید:

لَيْسَ فِي الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرُوبِ سَرْفٌ^{۳۸}

در خوردنی و آشامیدنی، اسراف نیست.

یا روایت مرفوعه‌ای که کلیتی علیه السلام آورده است:

مَا أَنْفَقْتُ فِي الطَّيِّبِ فَلَيْسَ بِسَرْفٍ^{۳۹}

مالی که صرف بوی خوش [عطر] می‌کنی، اسراف نیست.

بی تردید، مقصود از این روایات، این نیست که تهیه غذاهای گوناگون مراد بر نیاز و یا پرخوری از آنها، اسراف نیست؛ یا اگر انسان، در و دیوار خانه‌اش را هر روز با عطر و گلاب شستشو دهد، مانعی ندارد؛ بلکه این را می‌رساند که گشاده‌دستی در تهیه غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های گوارا و عطرهای دلپذیر، در حد میانه‌روی، اسراف محسوب نمی‌شود؛ چنان که در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است:

لَيْسَ فِيهَا أَصْلَحُ الْبَدَنِ إِسْرَافٌ... إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيهَا اتْلَافُ الْمَالِ وَأَضْرٌ بِالْبَدَنِ^{۴۰}

در آنچه بدن را سالم نگه می‌دارد، اسراف نیست؛ بلکه اسراف در چیزهایی است که مال را تلف می‌کند و به بدن، زیان می‌رساند.

در همه این موارد، مقصود، یک چیز است و آن، دفع توهم صدق اسراف، بر مصارفی است که گشاده‌دستی در آنها نه تنها نکوهیده نیست، بلکه نیکو و پسندیده است.

پنج. فرق اسراف و تبذیر

پیش از این، توضیح دادیم که «اسراف»، به معنای تجاوز از حد اعتدال در هر کار است؛ اما «تبذیر» از ریشه «بذّر»، به معنای پاشیدن دانه است. هنگامی که این واژه، در مباحث اقتصادی به کار می‌رود، به معنای مصرف کردن مال، به صورت غیر منطقی و بارواست. معادل کلمه «تبذیر» در فارسی، «تزیخت و پاش» است.

تبذیر، نوعی اسراف شمرده می‌شود؛ چنان که در برخی از روایات، به این مطلب تصریح شده است:

إِنَّ التَّبْذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ^{۴۱}

همانا تبذیر، [نوعی] از اسراف است.

۳۷. المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۳۳۴.

۳۸. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۱.

۳۹. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۶.

۴۰. میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۸۷، ح ۸۶۸۳.

۴۱. الکافی، ج ۳، ص ۵۰۱، ح ۱۴.

از این رو، در شماری از روایات، اسراف و تبذیر، در کنار هم مورد نکوهش قرار گرفته‌اند:

أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ لِمَالٍ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَأَسْرَافٌ^{۵۲}

بدانید که بخشیدن مال، به کسی که درخور آن نیست، با تبذیر و اسراف، یکی است!

گفتنی است که برخی، «تبذیر» را صفت کیفی می‌دانند و اسراف را صفت کمی؛ مثلاً اگر خریدن اجناس بسیار مرغوب، با قیمت‌های زیاد، مورد نیاز نباشد، «تبذیر» است؛ ولی اسراف نیست؛ به عکس، خریدن چند چیز، بیش از حد نیاز، «اسراف» است و «تبذیر» نیست. ولی با تأمل در آنچه در تبیین معنای اسراف و تبذیر گذشت، مشخص می‌شود که این سخن، صحیح نیست. اسراف و تبذیر، هم می‌توانند صفت کیفی باشند و هم صفت کمی.

شش. اسراف، عنوان کلی انواع مصرف‌های ناروا

با عنایت به مفهوم دقیق «اسراف» باید گفت که این واژه، عنوان کلی و جامع انواع مصرف‌های نارواست. بنا بر این، آنچه پس از این، در ذیل عنوان مصرف‌های ناروا خواهد آمد، در واقع، مصداقی از مصداقی اسراف است.

۲. افراط در رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی

خطرناک‌ترین مصداقی اسراف، افراط در رفاه‌طلبی، لذت‌جویی و تجمل‌گرایی است که در قرآن و روایات اسلامی از آن، با عنوان‌های: «لترف» و «تتعم»، یاد شده، و جامعه اسلامی، نسبت به آن، هشدار داده است.

این ویژگی خطرناک، در واقع، زمینه‌ساز انواع گناهان و آلودگی‌های فردی و اجتماعی است. امام علی علیه السلام در روایتی، درباره خطر افراط در رفاه‌طلبی می‌فرماید:

اتَّقُوا مَكْرَاهَاتِ النَّمَمَةِ، واحذروا بواطن النَّمَمَةِ^{۵۳}

از سرمستی‌های نعمت بترسید و از سختی‌های خشم و انتقام [خداوند] دوری کنید.

رفاه‌طلبی، لذت‌جویی، هواپرستی، خوش‌گذرانی و تجمل‌گرایی، چنان انسان را سرمست می‌کند که نه تنها برای مسائل انسانی و اخلاقی، ارزشی قایل نمی‌شود، بلکه در برابر کسانی که مردم را به ارزش‌های انسانی و اخلاقی دعوت می‌کنند، به مخالفت برمی‌خیزد. از این رو، در همه دوران‌ها، مترفان (خوش‌گذران‌ها)، در صف مقدم مخالفان پیامبران الهی بودند:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن تَبْذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَاذِبُونَ * وَقَالُوا لَنَحْنُ أَكْثَرُ أُمَّرًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعْتَبِرِينَ^{۵۴}

۵۲. نهج البلاغه، ج ۱۱/۱۱۲۴ (طوسی)، ص ۱۹۵.

۵۳. نهج البلاغه، ج ۵.

۵۴. سوره سبأ، آیه ۲۳ و ۲۵.

و [ما] در هیچ شهری، هشداردهنده‌ای نفرستادیم، جز آن که خوش‌گذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید، کافریم» و گفتند «ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد».

از این رو، برای پیشگیری از خطری که مترفان در طول تاریخ، گرفتار آن شدند، دوری گزیدن از رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، ضروری است. در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

إِيَّاكَ وَالتَّعَمُّمَ؛ فَإِنَّ عِيَاةَ اللَّهِ لَيْسُوا بِالتَّعَمِّينَ^{۵۵}

از نازپروردگی دور باش؛ که بندگان خداوند، نازپرورده نیستند.

البته باید توجه داشت که پرهیز از تجمل‌گرایی، به معنای بی‌توجهی به آراستگی ظاهری زندگی نیست. از این رو، در روایات اسلامی، از یک سو، مسلمانان را به ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی توصیه می‌کند و از سوی دیگر، به زیبایی و آراستگی ظاهر، تشویق می‌کند. در حدیث آمده است:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَحُبُّهُنَّ أَنْ تَرَى نِعْمَتَهُ عَلَى عِبْدِهِ^{۵۶}

خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد و دوستدار آن است که نعمت خویش را بر بنده‌اش بنگرد.

به سخن دیگر، میان تجمل و تجمل‌گرایی فرق است. تجمل، به معنای آراستگی ظاهر، و تجمل‌گرایی، به معنای افراط و زیاده‌روی در آراستگی است. میانه‌روی در بهره‌گیری از نعمت‌های الهی و آراستگی زندگی، امری در حد اعتدال نیکوست، اما زیاده‌روی در آن، مانند تنوع بیش از حد لباس و لوازم آرایشی، و محیط‌آرایی جدید هر ساله منزل، اسراف و نکوهیده است.

۳. تباه کردن ثروت

یکی از وظایف عقلی و شرعی شخص مسلمان، پیشگیری از تباه شدن ثروت شخصی و مهم‌تر از آن، اندوخته‌های مئی است. تباهی ثروت، گاه، در نتیجه سستی در پاسداری از آن است و گاه، بر اثر مصرف نابجای آن. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

مَنْ كَانَ فِيكُمْ لَهُ مَالٌ فَيَتَاهُ وَالنَّسَاءُ فَإِنَّ إِعْطَاءَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ، وَهُوَ يَرْفَعُ ذِكْرَ صَاحِبِهِ فِي النَّاسِ وَيَضَعُهُ عِنْدَ النَّبِيِّ. وَلَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَعِنْدَ غَيْرِ اهْلِيهِ إِلَّا خَرَسَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ، وَكَانَ لِيَعْرُوهُمْ^{۵۷}

هر کس از شما که مالی دارد، از فساد برحذر باشد که هر آینه، اگر بخشیدن آن مال، نابجا باشد، ریخت و پاش و اسراف است و هر چند نام وی را در میان مردم، بر می‌کشد، وی را نزد خداوند فرو می‌آورد هیچ کس نیست که مالش را نابجا و برای غیر شایستگان صرف کند، جز آن که خداوند، سپاس ایشان را از وی دریغ دارد و دوستی جز او در دلشان افتد.

۵۵. مستدرک حنبلی، ج ۸، ص ۲۵۸، ح ۲۶۱۶۶ کنز العمال، ج ۳، ص ۱۹۲، ح ۶۱۱۱.

۵۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۸، ح ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱، ص ۱۰۶، ح ۱۰.

۵۷. الکافی، ج ۳، ص ۳۱، ح ۳.

مصرف نابجا نیز مصادیق مختلفی دارد که خطرناک‌ترین آنها، مصرف کردن مال در راه گناه و کارهای ناشایست است، از امام علی علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

إِنَّ إِتْفَاقَ هَذَا الْمَالِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ إِتْفَاقِهِ فِي مَمَاصِيهِ أَكْبَرُ مِنْ عَيْتِهِ^{۵۸}

بخشیدن این مال برای بندگی خدا، بزرگ‌ترین نعمت، و دادن آن در راه نافرمانی خداوند، بزرگ‌ترین گرفتاری است.

همه کارهایی که حقیقتاً یا حکماً، به تباهی ثروت می‌انجامند، از مصادیق اسراف به شمار می‌روند و از نظر اسلام، نكوهیده و ناپسندند.

۴. ساخت و سازهای بی‌رویه و افزون بر نیاز

یکی دیگر از مصادیق اسراف - که مورد ابتلای بسیاری از ثروتمندان است - ساخت و سازهای بی‌رویه و افزون بر نیاز است. در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

مَنْ بَنَى بِنَاءً أَكْثَرَ مِمَّا يَجْتَنِعُ إِلَيْهِ، كَانَ عَلَيْهِ وَبِالْآيَوْمِ الْقِيَامَةِ^{۵۹}

هر کس ساختمانی بیش از اندازه نیازش بسازد، روز قیامت، بر او سنگینی خواهد کرد.

این نوع اسرافکاری، بویژه در شرایطی که بسیاری از مردم، توان تهیه کوچک‌ترین سرپناه را برای خود ندارند، به شدت، نکوهیده شده است، و معصومان علیهم السلام در روایاتشان با تعبیرهای بسیار تنیدی، مسلمانان را از ساختن چیزی که به آن نیاز ندارند، نهی کرده‌اند.^{۶۰}

۵. پیروی کورکورانه از بیگانگان، در مصرف

همانند بیگانگان مصرف کردن، پیامدهای زیانباری برای اقتصاد و فرهنگ جامعه اسلامی دارد؛ اما بی‌تردید، آثار سوء فرهنگی مصرف‌گرایی به شیوه بیگانگان، به مراتب، خطرناک‌تر از زیان‌های اقتصادی آن است.

از دیرباز، بیگانگان برای به سیطره درآوردن کشورهای دیگر، از اقتصاد، به عنوان ابزار سلطه فرهنگی و به دنبال آن، سلطه سیاسی، بهره می‌بردند. از این رو، در روایات اسلامی، مسلمانان، به شدت از تشبیه به بیگانگان در مصرف و پیروی کورکورانه از آنان نهی شده‌اند. در حدیثی، امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌فرماید:

أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ: لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِهِ، وَلَا تَبْتَغُوا طَعَامَ أَعْدَائِهِ، وَلَا تُسَاقِلُوا بِمَسَاكِلِ أَعْدَائِهِ؛ فَيَكُونُوا أَعْدَائِهِ كَمَا هُمْ أَعْدَائِهِ^{۶۱}

۵۸. حرر المحکم، ج ۳۳۹۲، میزان المحکم و المرافع، ص ۱۲۲، ج ۲۱۹۸.
۵۹. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۰۶، ج ۱۵۸۵.
۶۰. ر.ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۶۱۹ (نگاهداری مال).
۶۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۲، ج ۳۲۲.

خداوند، به یکی از پیامبران وحی فرمود که به قومش بگویند همچون دشمنان خدا لباس نبوشند، مثل آنان خوراک نخورند، و به شکل ایشان درنیایند، که در این حال، همچون آنان، دشمن خدا خواهند بود.

و بر این اساس، مصرف‌گرایی به شیوه بیگانگان، در صورتی که مصداق اسراف کمی نباشد، بی‌تردید، یکی از مصادیق بسیار خطرناک اسراف کیفی است و مبارزه همگان، برای پیشگیری از مفاسد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن، لازم و ضروری است.

۶. تفریط در مصرف

تفریط در مصرف، مانند اسراف و افراط در آن، پیامدهای زیان‌بار گوناگونی دارد. از این رو، اسلام، از یک سو، با افراط و اسراف در مصرف، به شدت مخالف است و به میانه‌روی و ساده‌زیستی، سفارش می‌کند و از سوی دیگر، تفریط در مصرف و سخت‌گیری بر خود و خانواده را نیز محکوم می‌نماید. در حدیث نبوی آمده است:

كُلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَالسَّوْأَى عَسِرَ عَيْبُهُ وَلَا تَرْفُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُسْرِى زِمَمَهُ عَلَى قَبِيلِهِ^{۶۲}

بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و بدون فخر فروشی و اسراف کاری، جامه ببوشید؛ زیرا خداوند دوست دارد که نعمتش بر بنده‌اش نگرسته شود.

افزون بر آیات و روایاتی که به بهره‌گیری از مواهب الهی، توصیه دارند، در احادیث فراوانی، کسانی که خود را از لذت‌های مشروع زندگی محروم می‌کنند، به شدت نکوهش شده‌اند. روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که شنید ده نفر از اصحاب او، شماری از لذت‌های زندگی را بر خود تحریم کرده‌اند، ضمن نکوهش این اقدام، در یک سخنرانی عمومی فرمود:

إِنَّمَا هَذَا مِنْ قَبْلِكُمْ بِأَلْسِنَتِكُمْ؛ سَدُّوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ قَسَدًا اللَّهُ عَلَيْهِمْ، فَأُولَئِكَ بِمَا بَاهُمُ فِي الدُّبَابِ وَالصُّوَابِ^{۶۳}

جز این نیست که کسانی پیش از شما، بر خود سخت گرفتند و از این روی، هلاک شدند؛ ایشان بر خود سخت گرفتند و خدای هم بر آنان سخت گرفت. پس ایشان (راهبان و کشیشان)، باقی‌مانده در دیرها و صومعه‌ها هستند.

ه. راهکارهای اصلاح الکوی مصرف از امکانات ملی

هدر دادن منابع ملی و درست مصرف نکردن بودجه عمومی کشور، یکی از بزرگ‌ترین خطرهایی است که همه نظام‌های سیاسی را - بویژه نظام‌هایی که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و مردم‌سالاری دینی‌اند -

۶۲. مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۶۰۲، ج ۶۷۲.
۶۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲۹، ج ۲۱۸.

تهدید می‌کند. از این رو، اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی، به مراتب، مهم‌تر، ضروری‌تر و فوری‌تر از اصلاح الگوی مصرف از درآمدهای فردی است.

بر این اساس، در جمهوری اسلامی ایران، همه ارگان‌ها، بویژه دولت، باید با بهره‌گیری از فضای که نام‌گذاری سال جاری (۱۳۸۸) برای اصلاح الگوی مصرف پدید آورده، نهایت توان خود را برای اصلاح الگوی مصرف از بودجه عمومی و امکانات ملی، به کار گیرند و این حرکت پُربرکت را در نهادهای تحت اشراف خود، به طور جدی آغاز کنند.

مهم‌ترین راه‌کارهایی که با بهره‌گیری از رهنمودهای پیشوایان اسلام می‌توان برای اصلاح الگوی مصرف از منابع ملی، ارائه داد، عبارت‌اند از:

۱. تقویت برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی

نخستین گام در اصلاح الگوی مصرف از منابع ملی، تقویت برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی است. در روایتی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم:

حَسَنُ التَّدْبِيرِ وَ تَجَنُّبُ التَّبْدِيرِ مِنْ حُسْنِ الشِّيْءِ^{۶۴}

حَسَنُ تَدْبِيرٍ وَ بَرْهِيْزٌ اَزْ حَيْفٍ وَ مَيْلٍ [بخشی] از حَسَنِ سِيَّاسَتِ اسْت.

بر پایه این روایت، سیاستمداران نظام اسلامی برای استفاده بهینه از منابع ملی، از یک سو باید تدبیرهای اقتصادی خود را تقویت کنند و از سوی دیگر، از زیاده‌روی‌ها و ریخت و پاش‌های بی‌فایده در دستگاه‌های دولتی، پیشگیری نمایند. امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرماید:

سُوءُ التَّدْبِيرِ يَفْتَاخُ الْفَقْرَ^{۶۵}

سوء تدبیر، کلید فقر است.

این سخن، اشاره بدین معناست که سیاستمدارانی که تدبیر لازم را در مدیریت اقتصادی کشور ندارند، زمینه‌ساز عقب‌ماندگی اقتصادی جامعه هستند.

۲. استفاده بهینه از منابع ملی

رعایت اولویت‌هایی که موجب استفاده بهینه از منابع ملی و بودجه عمومی است، به مراتب، مهم‌تر از رعایت اولویت‌ها در هزینه کردن از منابع شخصی است. از این رو، بر همه مدیران در نظام اسلامی، فرض است که با همه توان خود تلاش کنند تا از منابعی که از بودجه عمومی در اختیار دارند، به بهترین وجه، برای مصالح مردم استفاده نمایند و بدین سان، در آزمون امانتداری اموال عمومی، موفق باشند:

﴿اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَی الْاَرْضِ رِزْقًا لِّمَنْ يَّشَاءُ لِيَبْلُوَهُمْ اَبْنِيَّتَهُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا﴾^{۶۶}

۶۴. قرآن حکیم، ج ۱۰، ص ۱۰۶۲.

۶۵. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۱۸۵.

۶۶. سوره کهف، آیه ۷.

در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند.

بی‌تردید، تلاش برای استفاده بهینه از منابع و امکانات ملی، یکی از مصادیق بارز این آیه کریمه، و موفقیت در این تلاش، دستیابی به پاداش بهترین عمل است.

۳. نهایت صرفه‌جویی

یکی از لوازم اجتناب‌ناپذیر استفاده بهینه از منابع ملی، صرفه‌جویی همراه با تدبیر، در مصرف بودجه عمومی است. امام علی علیه السلام در این باره، بخش‌نامه‌ای به کارگزاران حکومتی خود دارد که بسیار قابل تأمل و آموزنده است. متن این بخش‌نامه، چنین است:

اَدَّبُوا اَنْفُسَهُمْ، وَ قَارِبُوا بَيْنَ شَطْرِيْكُمْ، وَ احْلِفُوا عَنِّيْ تُضْرِكُكُمْ، وَ اقْصِدُوا قَصْدَ السَّمَانِي، وَ اِيَّاكُمْ وَ الْاِيْكَانَةَ؛ فَاِنَّ اَمْوَالَ الْمُسْلِمِيْنَ لَا تَحْتَمِلُ الْاِضْرَارَ^{۶۷}

قلم‌هایتان را تیز کنید، سطرها را به هم نزدیک سازید، [در نگارش] برای من، زیادها را حذف کنید و به معنا بنگرید، و از زیاده‌نویسی بپرهیزید؛ چرا که بیت‌المال مسلمانان، زیان‌برنی‌تابد.

این بخش‌نامه، بدین معناست که سیاست صرفه‌جویی در اموال عمومی باید به صورت قانون و دستور العمل، به کارگزاران نظام اسلامی ابلاغ شود و آنان موظف‌اند برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر از وقت خود و مدیریت‌های بالاتر از خود و امکانات ملی نهایت صرفه‌جویی را داشته باشند.

۴. پیشگیری از سوء استفاده شخصی و خانوادگی

در نظام اسلامی، پیشگیری از سوءاستفاده شخصی و خانوادگی از امکانات ملی باید در میان کارگزاران آن، به فرهنگ تبدیل شود. آنان باید توجه داشته باشند که اموال عمومی در اختیار آنها، در واقع، امانت ملی‌اند و تنها در خصوص مسئولیتی که به عهده دارند، می‌توانند از این امکانات استفاده کنند، و هرگونه استفاده شخصی از امکانات عمومی، نامشروع است.

مشهور است که امیر مؤمنان علیه السلام شبی وارد بیت المال شد و چگونگی تقسیم اموال را می‌نوشت که طلحه و زبیر، نزد ایشان رسیدند. به محض ورود آنها، امام، چراغی که در برابرش بود، خاموش کرد و دستور داد تا چراغی دیگر از خانه‌اش آوردند!

آنان که از این برخورد امام، شگفت زده شده بودند، سبب آن را پرسیدند. امام علیه السلام پاسخ داد:

كَانَ رَيْثُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ، وَ لَا يَبْتَدِيْ اَنْ تُصَاحِبَكُمْ فِيْ ضَوْئِهِ^{۶۸}

روغن آن چراغ، از بیت المال بود؛ از این رو، سزاوار نیست که با شما در روشنایی‌اش هم‌نشینی کنم!

۶۷. الخصال، ص ۳۱۰، ج ۸۵.

۶۸. صفاتی الحسن، ج ۱، ص ۳۲۹.

در حکومت امام علی علیه السلام در بهره‌گیری از بیت المال، تفاوتی میان نزدیکان امام و دیگران وجود نداشت. یکی از نکات بسیار آموزنده در سیره علوی، این است که یک روز پیش از شهادت آن امام بزرگ، مردم بر او وارد شدند و گواهی دادند که حقوق آنان را از بیت المال، به طور یکسان رعایت کرده، استفاده شخصی از بیت‌المال نداشته و با دورترین مردم در حکومت، همانند نزدیک‌ترین آنان به او، رفتار شده است. بنا بر این، پیروان راستین امام علی علیه السلام و مدیرانی که افتخار خدمت در نظام منسوب به آن بزرگوار را دارند، باید با یاری جستن از خداوند متعال و روح بلند آن امام بزرگ، همه توان خود را برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به آن الگوی کامل انسانیت، به کار گیرند.

۵. دوری جستن از بدل و بخشش اموال عمومی

از دیدگاه اسلام، بخشش، نیکوست؛ اما از اموال خود نه از اموال دیگران. بخشش از اموال دیگران، نه تنها نیکو نیست، بلکه نکوهیده و ناپسند است. از این رو، در نظام اسلامی، دولت‌مردان حق ندارند از اموال ملی ببخشند. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

جَوْرُ الْوَلَاةِ بَقِيَّةُ الْمُسْلِمِينَ جَوْرٌ وَ خَيْرٌ^{۷۱}

بخشش حکمرانان از اموال مسلمانان، بیدادگری و خیانت است.

در سیره حکومتی علوی آمده است که هنگام تقسیم بیت المال، برده پیری، نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و تقاضای یاری کرد. امام علیه السلام به او فرمود:

وَاللَّهِ مَا هُوَ يَكْفِيكَ يَدِي وَلَا تُرَائِي مِنَ الْوَالِدِ، وَ لِكَيْتَهَا أَمَانَةٌ أُرْمِيهَا فَأَنَا أَوْقِيهَا إِلَى أَهْلِهَا^{۷۲}

به خدا سوگند که این، نه دست‌رنج من است و نه میراثم از پدر؛ بلکه امانتی است که به من سپرده شده. پس آن را به اهلیش می‌رسانم.

در ادامه، امام علیه السلام با درخواست یاری از مردم، مشکل آن نیازمند را حل کرد.^{۷۳}

۶. سیره پیشوایان دین در مصرف

عصمت پیشوایان بزرگ الهی و مصونیت آنان از گناه و اشتباه، ایجاب می‌کند که سیره عملی آنان در مسائل مختلف و از جمله، مصرف درآمدها، یکسان باشد و تفاوت‌های ظاهری، مقتضای شرایط زمان و مکان زندگی آنهاست؛ مثلاً اگر امام علی علیه السلام در زمان امام صادق علیه السلام زندگی می‌کرد، همان گونه می‌زیست که امام صادق علیه السلام زندگی کرده بود. عکس این مطلب نیز صادق است.

بر این اساس، نکاتی که در سیره عملی هر یک از پیشوایان دیده می‌شود، قابل تسری به همه آنهاست. با این نگاه، در بررسی سیره پیشوایان بزرگ دین، مشخص می‌شود که همه باید‌ها و نیاید‌های الگوی مصرف، رعایت شده؛ اما چند نکته، برجسته و قابل توجه است:

۶۹. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۲۵.

۷۰. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۱۱۷۱.

۷۱. همان.

۱. رعایت وظیفه خاص پیشوایان

وظیفه الهی همه پیشوایان عدل، این است که در مصرف، همانند تهی‌دست‌ترین مردم زندگی کنند تا آسوه و الگویی برای همه مردم باشند و مشکلات اقتصادی، فشار روانی دوچندانی بر بی‌نیویان وارد نسازد:

إِنَّ اللَّهَ قَرَضَ عَلَى أَيْمَةِ الْمَدِينِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِصَمْتَةِ النَّاسِ كَيْلًا يُبْتِغِ بِهَا الْفَقِيرَ قَرَضًا^{۷۲}

خداوند، بر پیشوایان عادل، واجب کرده است که خود را با مردم تهی‌دست، همسان سازند تا مبادا ناداری تهی‌دست، او را برافروخته سازد.

از این رو، انبیا و امامان، در شرایطی که فقر، از جامعه ریشه‌کن نشده بود، نهایت قناعت و ساده‌زیستی را در زندگی خود رعایت می‌کردند؛ اما در عین حال، دیگران را به میانه‌روی توصیه می‌نمودند و اجازه نمی‌دادند که دیگران، خود را از لذت‌های مشروع زندگی، محروم کنند.

۲. رعایت مقتضیات زمان

پیشوایان دین، همواره مقتضیات زمان خود را در مقدار مصرف و چگونگی آن، رعایت می‌کردند؛ بدین معنا که اولاً، امامان، کاری را که موجب انگشت‌نما شدن آنها شود، انجام نمی‌دادند. از این رو، امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که به او ایراد می‌گیرد که: «چرا بر خلاف سیره جدت امام علی علیه السلام - که از لباس‌های ارزان و خشن استفاده می‌کرد -، از لباس نو و نرم استفاده می‌کنی؟!» می‌فرماید: «علی علیه السلام در زمانی از آن نوع لباس استفاده می‌کرد که در فرهنگ عمومی، زشت نبود و اگر در زمان ما چنین لباسی می‌پوشید، انگشت‌نما می‌شد. بنا بر این، بهترین لباس در هر زمان، لباس مردم همان زمان است.»^{۷۳}

ثانیاً، در شرایط مناسب اقتصادی - که همه مردم می‌توانستند از امکانات مناسب زندگی، بهره‌مند شوند - امامان علیهم السلام نیز از استفاده از مواهب الهی، پرهیز نمی‌کردند. به همین جهت، در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام در پاسخ به این ایراد سفیان ثوری که به ایشان گفته بود: «چرا پدران از لباس‌های زیبا استفاده نمی‌کردند؛ اما شما استفاده می‌کنید؟» می‌فرماید: «آنان در روزگاری زندگی می‌کردند که مردم در فقر و تنگ‌دستی بودند؛ ولی در شرایط کنونی - که وضع اقتصادی مردم خوب است - نیکان، سزاورترند که از مواهب الهی، بهره‌مند شوند.»^{۷۴}

۳. در تنگنا قرار ندادن خانواده

قناعت و ساده‌زیستی پیشوایان، موجب در تنگنا قرار دادن خانواده و سخت‌گیری بر آنان نبود. شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امکانات مورد نیاز خانواده خود را به خوبی تامین می‌کرد و درباره فلسفه این اقدام ایشان می‌فرماید:

إِنَّ النَّسْ إِذَا عَرَفَتْ قَوْلَهَا قِيمَتَ يَوْمِ وَ تَبَّتْ عَلَيْهِ اللَّحْمُ^{۷۵}

۷۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۰، ح ۳.

۷۳. همان، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۴؛ ج ۲، ص ۲۲۴، ح ۱۵.

۷۴. مطالب السوء، ص ۸۲.

۷۵. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۴، ح ۱۲.

نفس انسان، اگر از روزی اش آگاه باشد، به آن رضایت می دهد، و گوشت، با روزی می روید.

این سخن، بدین معناست که اگر امکانات مورد نیاز انسان در زندگی، تأمین نباشد، از نظر روحی و جسمی، با مشکل روبه رو می شود؛ اما وقتی نیازهای او تأمین شود، احساس آرامش روانی می کند و از نظر جسمی هم نیرومند می گردد.

پیشوایان الهی، شخصاً از قدرت روحی خارق الماده ای برخوردار بودند که کمبودهای مادی، آنها را تحت تأثیر قرار نمی داد؛ ولی همسر و یا دیگر اعضای خانواده آنها - که این قدرت روانی را نداشتند - نمی توانستند مانند آنها باشند.

همچنین گزارش کتاب شریف الکافی، از خانه مزین همسر امام باقر علیه السلام نیز نشان گر این معناست که هر چند اهل بیت علیهم السلام در زندگی شخصی، فقر اختیاری را برگزیده بودند، اما هیچ گاه همسر و خانواده خود را در تنگنا و سختی قرار نمی دادند.

۴. آراستگی همراه با ساده زیستی

پیشوایان الهی، به موجب روایت: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ حُبُّ الْجَمَالِ»، در عین ساده زیستی، از نظر ظاهری، کاملاً آراسته بودند. البته آراستگی آنان، شبیه آرایش اسراف کاران و مستکبران نبود؛ ولی آنان از نظر رنگ لباس، پاکیزگی و معطر بودن، برای مخاطبان، جذابیتی خاص داشتند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

الْبَطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ؛^{۷۶}

عطر زدن، از سنت های پیامبران است.

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که می فرماید:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَنْفُسُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ يَمَا يَنْفُسُ فِي الطَّعَامِ؛^{۷۸}

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیشتر از غذا خور می کرد.

روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نه تنها برای خانواده خود، بلکه برای دیدار با یارانش نیز خویشتن را می آراست و می فرمود: «خداوند، دوست دارد که بنده اش وقتی برای دیدار با برادرانش از خانه بیرون می رود، خود را بیاراید و آماده دیدار آنها نماید».^{۷۹}

۵. گرامی داشت میهمان

یکی از حقوق میهمان، گرامی داشتن اوست. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

۷۶. همان، ج ۶ ص ۳۳۸، ح ۱۲.

۷۷. همان، ج ۶ ص ۵۱۰، ح ۲.

۷۸. همان، ج ۶ ص ۵۱۲، ح ۱۸.

۷۹. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۲، ح ۱.

إِنَّ مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ يَكْرَمَ؛^{۸۰}

از حقوق میهمان، این است که گرامی داشته شود.

در احادیث اسلامی، رهنمودهای فراوانی برای چگونگی احترام به میهمان، وارد شده است؛^{۸۱} یکی از آنها آماده سازی بهترین غذایی است که تهیه آن برای میزبان، به سادگی، امکان پذیر است. از امام علی علیه السلام روایت شده که می فرماید:

إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَخُوكَ الْمُؤْمِنُ، فَأَطِمْعِمَهُ مِنْ أَطِيبِ مَا فِي بَيْتِكَ؛^{۸۲}

هرگاه برادر مؤمنت بر تو وارد شد، از بهترین غذایی که در خانه ات داری، به او بخوران.

بر پایه روایاتی که کلینی علیه السلام نقل کرده، اهل بیت علیهم السلام خود، در انجام دادن این رهنمود، پیش گام بودند. ابو خالد کابلی، روایت کرده که صبحانه ای میهمان امام باقر علیه السلام بودم. تا آن موقع، غذایی پاکیزه تر و خوش بو تر از آن صبحانه نخورده بودم. پس از صرف غذا امام علیه السلام به من فرمود:

كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا؟

چگونه دیدی غذای ما را؟

گفتم: که غذایی پاکیزه تر و خوش بو تر از آن نخورده بودم؛ ولی [هنگام خوردن غذا] به یاد این آیه افتادم که در کتاب خدا آمده:

(تَسَاءَلُونَ يُؤْتِيهِمَنْ السَّمِيمِ)؛^{۸۳}

البته در قیامت، از نعمت هایی که داشته اید، بازپرسی خواهید شد.

گویا، ابو خالد، تصوّر می کرد که خوردن غذای لذیذ و مطبوع، موجب طول حساب رسی روز قیامت خواهد شد؛ از این رو، در فکر بود که چرا در خانه امام باقر علیه السلام غذایی به این لذیذی تهیه شده است؟ بدین جهت، ابهام خود را با اشاره به آیه یاد شده، مطرح کرد. امام در پاسخ وی فرمود:

لَا، إِنَّمَا تَسْأَلُونَ عَمَّا آتَمْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ؛^{۸۴}

نه! آنچه درباره اش از شما بازخواست می کنند، عقیده حقی است که شما دارید.

روایات دیگری نیز این معنا را تأیید می کنند. در برخی از آنها آمده که خداوند، بزرگوارتر از آن است که روز قیامت در باره نعمت های حلال و مشروعی که به مردم عنایت کرده، بازجویی کند؛ بلکه بازجویی های قیامت، درباره مسائل اساسی اعتقادی، اخلاقی و عملی خواهد بود.

۸۰. الکافی، ج ۶ ص ۲۸۵، ح ۳۳ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۷، ح ۲۲۶۱.

۸۱. تفصیل این رهنمودها در کتاب فرهنگ نامه مهمانی از نگاه قرآن و حدیث آمده است.

۸۲. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۷، ح ۳۲۲.

۸۳. سوره نکلز، آیه ۸.

۸۴. الکافی، ج ۶ ص ۲۸۰، ح ۵.

عز ایشار نسبت به نیازمندان

یکی از ویژگی های پیشوایان الهی، این بود که تأمین نیازهای دیگران را بر خود مقدم می داشتند در مورد پیامبر ﷺ نقل شده است:

مَا سَبَّحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَةً حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا، وَكَوَّ شَاءَ لَسْبِخٍ، وَ لَكَيْتُهُ كَانَ يُؤَيِّرُ عَلَى نَفْسِهِ^{۸۵}

پیامبر خدا ﷺ تا زمانی که از دنیا رفت، هرگز سه روز بیایی، غذای سیر نخورد، البته اگر می خواسته می توانست سیر بخورد؛ اما دیگران را بر خود مقدم می داشت.

اهل بیت آن بزرگوار نیز مانند ایشان عمل می کردند و داستان های بسیار آموزنده ای از ایشار خاندان رسالت در کتاب های تاریخی و روایی نقل شده است.

کتابنامه

- احقاق الحق و إزهاق الباطل، نورالله بن سید شریف شوشتری (قاضی تستری، ۱۰۱۹ق)، با تعلیقات: سید شهاب الدین مرعشی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، اول، ۱۴۱۱ق.

- اعلام الدین فی صفات المؤمنین، الحسن بن محمد الدیلمی (۷۱۱ق)، تحقیق: مؤسسه آل البيت ﷺ، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ.

- الأملی، محمد بن حسن طوسی (۲۶۰ق)، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم: دارالثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.

- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۲ق.

- تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، حسن بن علی حرانی (ابن شعبه، ۲۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۰۴ق.

- تفسیر المیاشی، محمد بن مسعود سلمی سمرقندی (البیاضی، ۲۲۰ق)، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیة، اول، ۱۳۸۰ق.

- تهذیب الأحکام فی شرح المقننه، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی، ۴۶۰ق)، بیروت: دارالتعارف، اول، ۱۴۰۱ق.

- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق، ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.

- الخصال، شیخ صدوق، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چهارم، ۱۴۱۴ق.

- دهائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام، نعمان بن محمد تیمی مریسی (۲۶۲ق)، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، مصر: دارالمعارف، سوم، ۱۳۸۹ق.

۸۵ الدعوات، ص ۱۳۲، ج ۳۶۳.

- الدعوات، سعید بن عبدالله راوندی (قطب الدین راوندی، ۵۷۳ق)، تحقیق: مؤسسه الإمام المهدي ﷺ، قم: مؤسسه الإمام المهدي ﷺ، اول، ۱۴۰۷ق.

- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (ابن ماجه، ۲۷۵ق)، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: داراحیاء التراث، اول، ۱۳۹۵ق.

- سنن النسائي بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشية الإمام السندي، أحمد بن شعيب النسائي (۳۰۲ق)، بیروت: دارالجیل، اول، ۱۴۰۷ق.

- صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری (۲۶۱ق)، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دارالحدیث، اول، ۱۴۱۲ق.

- علل الشرائع، شیخ صدوق، بیروت: داراحیاء التراث، اول، ۱۴۰۸ق.

- عوالمی الالکی المزیزیة فی الأحادیث الدینیة، محمد بن علی احسانی (ابن ابی جمهور، ۹۴۰ق)، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: انتشارات سید الشهداء، اول، ۱۴۰۳ق.

- عبود الحکم والمواظف، علی بن محمد الیثی الواسطی (ق ع)، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۷۶ش.

- فروع الحکم و درر الکلم، عبدالواحد الامدی التمیمی (م ۵۵۰ق)، تحقیق: میر جلال الدین محدث آرموی، تهران: دانشگاه تهران، سوم، ۱۳۶۰ش.

- الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی الرازی (۳۲۹ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دار صعب و دارالتعارف، چهارم، ۱۴۰۱ق.

- کتاب من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم.

- کنز العمال فی سنن الاوتوال والأعمال، علی متقی بن حسام الدین هندی (۹۷۵ق)، تصحیح: صفوة السقا، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی، اول، ۱۳۹۷ق.

- مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر مجمع البیان)، فضل بن حسن طبرسی (امین الاسلام، ۵۴۸ق)، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی طباطبائی، بیروت: دارالمعرفة، دوم، ۱۴۰۸ق.

- المحاسن، احمد بن محمد برقی (م ۲۸۰ق)، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مجمع جهانی اهل بیت ﷺ، اول، ۱۴۱۳ق.

- مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، محمد بن طلحه شافعی (م ۵۴۴ق)، قم: نسخه خطی در کتابخانه آیه الله مرعشی.

- السنن، احمد بن محمد شیبانی (ابن حنبل، ۲۴۱ق)، تحقیق: عبدالله محمد درویش، بیروت: دارالفکر، دوم، ۱۴۱۴ق.

- مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی (م ۳۲۵ق)، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالقلم، اول، ۱۳۱۲ق.

- مكارم الأخلاق، فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۴ق.
- میزان الحكمة با ترجمه فارسی، محمد محمدی ری شهری، ترجمه: حمید رضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷ش.
- نزهة الناظر وتنبیه الخواطر، حسین بن محمد حلوانی (ق ۵) تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
- نهج البلاغه، محمد بن الحسين الموسوی (شريف رضى)، ترجمه: سيد جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.